فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره سی و یکم. بهار ۱۳۹۸، صص ۱۱-۱ Vol 3. No 31. 2019, p 1-11
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

بررسی تحدید قلمرو عدالت مالیاتی در دو نظام مالیاتی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان

احمد میرزایی الموتی
دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی
alamoooti@gmail.com

چکیده

در تاریخ هیچ رژیمی وجود نداشته که از شهروندان خود و یا اقوام و ملت‌هایی که احیاناً مغلوب او واقع می‌شدند، به مفهوم کلی کلمه، مالیات نگیرد. تنها نوع و مقدار مالیات و نحوه وصول آن متفاوت بوده است و اصل آن هیچ‌گاه متروک نمی‌شده است. دو وجه مشخصه در نظام حقوقی ایران و انگلستان در راستای تحقق عدالت مالیاتی وجود دارد. مورد اول زمان وصول مالیات است که مانند وصول فوری مالیات، تقسیط مبلغ مالیات، پرداخت علی‌الحساب و پیش‌پرداخت مالیاتی، قدرت عمومی مالیاتی را نشان می‌دهد و مورد دیگر از اقتدارات عدالت مالیاتی ایران و انگلستان برای وصول مالیات می‌باشد که درباره‌ی شیوه پرداخت مالیات است .همواره باید این نکته را مدنظر داشته باشیم که ظرافت و عدالت در اصول مالیات باید تا حدی رعایت شود زیرا کشور از یک‌سو نیاز به درآمدهای مالیاتی دارد و از سوی دیگر باید شرایط پرداخت‌کنندگان مالیات هم در نظر گرفته شود. ما در پژوهش حاضر، با روش تحلیلی توصیفی و با استمداد از ابزار کتابخانه‌ای به دنبال تحدید قلمرو عدالت مالیاتی در دو نظام مالیاتی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان می‌باشیم.

واژه‌های کلیدی: مالیات، نظام مالیاتی، عدالت مالیاتی، حقوق ایران، حقوق انگلستان

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

تعاریف متعددی از مالیات شده است اما چند ویژگی خیلی مهم وجود دارد که طبعاً خصلت مالیات و تمایز آن را از دیگر نهادهای مشابه تعیین می‌کند، مثلاً در بعضی از تعاریف مالیات: یک نوع پرداخت منظم و اجباری توسط مردم و به‌موجب قانون مصوب پارلمان که توسط سازمان‌های اداری دولت وصول‌شده و صرف هزینه‌های عمومی می‌شود، دانسته شده است (ابوطالب، ۱۳۸۹: ۸۸). مالیات، مهم‌ترین ابزار کسب درآمد دولت‌ها برای انجام وظایف مربوطه است. بر این اساس مالیات از یک‌سو ابزاری برای تأمین مالی مخارج سرمایه‌گذاری و سرمایه در گردش دولت بوده و از سوی دیگر برای توزیع عادلانه ثروت و درآمد تک‌تک افراد کشور، تحت عنوان اثر باز توزیعی درآمد است .بدین ترتیب دولت‌ها با استفاده از ابزار دریافت انواع مالیات‌ها از افراد حقیقی و حقوقی کشور، درآمد لازم برای انجام فعالیت‌های حیاتی افزایش امنیت، بهداشت، آموزش، ایجاد زیرساخت و بستر فعالیت‌ها سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و... کشور را تأمین می‌کنند، همچنین برقراری نظام مطلوب و بهینه مالیاتی، موجب توزیع عادلانه‌تر درآمد و ثروت در بین افراد کشور می‌شود. به‌این‌ترتیب با دریافت نرخ‌های تصاعدی مالیات با توجه به درآمد و ثروت افراد جامعه (از یک سقف مشخص درآمدی)، از افراد پردرآمد و ثروتمند مالیات بیشتری دریافت می‌شود (موسی زاده، ۱۳۸۹: ص۱۱۱). یکی از وابستگی‌های مالی مهم دولت خصوصاً در کشور ما درآمد حاصل از فروش ذخایر نفتی است. اینکه منبع اصلی درآمدهای دولت منابع نفتی باشد، باعث ضعیف‌تر شدن نظام مالیاتی می‌شود. به‌عبارت‌دیگر سهم مالیات از مجموع درآمدهای دولت کاهش پیدا می‌کند و اگر دقت کنیم همان مقدار کم نیز شکل دیگری از درآمدهای نفتی است. یعنی به دلیل اینکه نفت به جامعه تزریق‌شده است دولت یک‌بار دیگر همان منابع نفتی که به جامعه تزریق کرده است را با هزینه‌ی زیادی در قالب درآمدهای مالیاتی از مردم باز پس می‌گیرد و یک دور باطل در نظام اقتصادی که مبتنی بر منابع طبیعی است ایجاد می‌شود .آنچه در اغلب این کشورها به‌عنوان مالیات مشاهده می‌کنیم، مالیات به معنای واقعی نیست، یعنی مالیاتی نیست که ناشی از تولید واقعی باشد بلکه بازگرداندن بخشی از پول‌هایی است که درگذشته به‌وسیله‌ی یک شبکه‌ی توزیع ناقص، ناعادلانه و ناکارآمد دولتی در اختیار گروه‌هایی از مردم قرارگرفته و دوباره بخشی از آن با زحمت و هزینه بسیار زیاد به دولت باز می‌گردد (انصاری، ۱۳۹۲: ص۸۸).

به‌طور سنتی وضع مالیات در کشورهای درحال‌توسعه برای رسیدن به دو هدف است. اول امتیازهای مالیاتی و دیگر انگیزه‌های مالی مشابه به‌منظور تشویق سرمایه‌گذاری‌های خصوصی .این نوع امتیازهای مالیاتی نوعاً به سرمایه‌گذاران خارجی خصوصی برای تشویق آن‌ها به ایجاد مؤسسات اقتصادی در کشورهای درحال‌توسعه اعطا می‌شود (آقایی، ۱۳۸۹: ص۸۶). هدف دوم از وضع مالیات‌ها، تجهیز منابع به‌منظور تأمین مالی هزینه‌های دولت بسیار مهم‌تر است. توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه، بدون توجه به ایده های رایج سیاسی و اقتصادی آنها تا حد زیادی در گرو توانایی این کشورها

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

در ایجاد درآمدهای کافی برای تأمین مالی برنامه‌های ضروری و برنامه‌های خدمات دولتی فاقد درآمد، مانند بهداشت، آموزش، حمل و نقل، ارتباطات و دیگر اجزاء زیرساخت اقتصادی واجتماعی است (قربانی، ۱۳۸۸: ص۶۷). یکی از مهم ترین اهداف اخذ مالیات‌ها، کاهش شکاف بین درآمدهای طبقات ثروتمند و طبقات فقیر است. اصولا توسعه به معنی به ارمغان آوردن رفاه اجتماعی برای توده‌های مردم است. توده های مردم، هنگامی از رفاه اجتماعی و اقتصادی برخوردار خواهند بود که توزیع درآمدها به صورت عادلانه صورت‌گیرد تا مردم عادی بتوانند نیازهای اقتصادی خود مانند مسکن، غذا، بهداشت و رفاه را تامین کنند .در این حالت، کاهش نابرابری‌ها در توزیع درآمد و ثروت، نیازمند ابزارهای جداگانه است (قربانی، ۱۳۸۸). در اغلب کشورهای کمتر توسعه یافته، بنگاه‌های خصوصی بسیارکوچک هستند (حجم کوچک اقتصاد بخش خصوصی) و تنها تعداد محدودی از بنگاه‌های بزرگتر اقتصادی درگیر تولید کالاهای مصرفی هستند. (قاری، ۱۳۸۹).

دلیل اصلی محدود بودن فعالیت های اقتصاد بخش خصوصی در این کشورها، کمبود سرمایه است که از کمیِ پس‌انداز نشأت می گیرد. اگر سرمایه ای نیز وجود داشته باشد، به دلیل پایین بودن کارآیی سرمایه در بلندمدت، اکثر آنها در کانال های غیر مولد و کوتاه‌مدت مانند سفته بازی و بورس بازی قرار می‌گیرند.

در این حالت، دولت می‌تواند با اعمال مالیات‌های مستقیم بر املاک، درآمد، زمین، دارایی، طلا، سود، ثروت، ارث و ... درآمدهای اضافی را جذب کند و در پروژه‌های مولد سرمایه‌گذاری به جریان بیندازد .بنابراین، مالیات‌ها وسیله مؤثری برای انتقال منابع از کانال‌های غیر مواد به کانال‌های مولد، از طریق سرمایه‌گذاری‌های عمومی است (قاری، ۱۳۸۹). مالیات‌ها باید بتواند، روند سرمایه‌گذاری در اقتصاد را اصلاح کند. یکی از وظایف مالیات‌ها در کشورهای درحال‌توسعه انتقال منابع از بخش خصوصی به بخش دولتی است؛ اما این به آن معنی نیست که مالیات‌ها به‌منظور ریشه‌کن کردن سرمایه‌گذاری‌های خصوصی اعمال می‌شود، بلکه برعکس، مالیات‌ها باید سرمایه‌گذاری‌ها را تشویق و در مسیر مناسب هدایت کند .دولت‌ها باید بتوانند انگیزه‌های لازم را برای بنگاه‌های اقتصادی خصوصی ایجاد کنند تا صنایع تولیدکننده کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای فعالیت‌های خود را بسط و گسترش دهند. این امر موجب می‌شود که سود این واحدها افزایش یابد و مجدداً صرف سرمایه‌گذاری شود .مالیات‌ها نباید حجم سرمایه‌گذاری تعیین‌شده برای سرمایه‌گذاری مجدد را کاهش دهد (نادران، ۱۳۸۷: ص ۱۳۴). پرداخت مالیات از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه جامعه محسوب می‌شود و موجب رونق اقتصادی، تحقق عدالت اجتماعی، افزایش خدمات و عمران و آبادانی کشور می‌شود .در حال حاضر بخش عمده‌ای از اعتبارات و درآمدهای مالیاتی صرف عمران، آبادانی و امور زیربنایی کشور می‌شود .ازاین‌رو ارتقای روزافزون نظام مالیاتی و همگام ساختن آن بادانش روز، نقش انکارناپذیری در توسعه اقتصادی کشور دارد (قاری، ۱۳۸۹: ص ۶۴). توسعه بیشتر نظام مالیات بر ارزش‌افزوده، بازنگری قوانین و مقررات

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مالیاتی با در نظر گرفتن تغییر نیازها، اجرای طرح جامع مالیاتی و. . . از محورهای اصلی تحول نظام مالیاتی بوده است. تحولی که اصلاح موفق ساختار اقتصاد، توسعه فعالیت‌های تولیدی و توسعه کیفی بخش خدمات، گسترش پایه‌های مالیاتی و حذف معافیت‌های غیرضروری، رفع محدودیت‌های بودجه‌ای سازمان، تأمین نیروی انسانی، اتخاذ تمام تدابیر قانونی را به دنبال داشته باشد که این موارد خود نقش بسیار مهمی در ارتقای درآمدهای مالیاتی و درنتیجه توسعه و آبادانی کشور ایفا می‌کند. (نادران، ۱۳۸۷: ص۱۲۶).

تحقق اهداف اقتصادی دولت به‌خصوص در بحث مالیات، نیازمند اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی است و مردم باید در خصوص نحوه دریافت مالیات، هزینه کردن و میزان تأثیرگذاری آن بر اقتصاد و عمران و آبادانی کشور اطلاعات و شناخت کافی داشته باشند .بنابراین اراده مردم، عمده‌ترین نقش را در اجرای قانون مالیات‌ها ایفا می‌کند و به این لحاظ مؤثرترین عامل موفقیت در اجرای این قوانین، فرهنگ مالیاتی جامعه است (قاری، ۱۳۸۹: ص۶۵). شناخت حدود و ثقور نظام عادلانه مالیاتی و تحدید چگونگی اِعمال راهکارهای مناسب در راستای دستیابی به عدالت عام مالیاتی، ضرورت مهم و اساسی است. ازآنجایی‌که مالیات رابطه تنگاتنگ با اقتصاد دارد، پس مسلم است دستیابی به عدالت مالیاتی منتج به عدالت اقتصادی در اجتماع می‌شود و همین امر رضایت عمومی را به‌عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه اقتصادی به دنبال خواهد داشت. یکی از ضرورت‌های اصلی این پژوهش، بیان نمودن لزوم تدوین و تصویب این دادرسی مالیاتی می‌باشد .درواقع می‌توان گفت، هم‌اکنون چیزی به‌عنوان آیین دادرسی مالیاتی در حد استانداردهای مناسب آن نداریم و آیین دادرسی مالیاتی یا دادرسی مالیاتی در معنای یک نظام جامع که تمام مراحل، آیین‌ها و قواعد شکلی رسیدگی به اختلافات مالیاتی در آن باشد در قانون مالیات‌های ما نیست و حتی در لوایح جدید هم اصلاحات جدی در این زمینه دیده نشده است؛ بنابراین سوال اصلی این تحقیق عبارت از دست‌یابی به‌نظام حقوقی مالیاتی در پرتو اصل عدالت مالیاتی در حقوق ایران و انگلستان چگونه میسّر می‌شود؟

روش تحقیق و گردآوری اطلاعات

این تحقیق تحلیلی – توصیفی می‌باشد و با استفاده از مجلات، کتب و نوشتارهای حقوقی و تحلیل دکترین گردآوری گردیده است و ابزار گردآوری اطلاعات: فیش‌برداری از کتب حقوقی، جلب نظر اساتید، استفاده از بانک‌های اطلاعاتی و مقالات الکترونیکی و مراجع حقوقی می‌باشد.

مفهوم شناسی نظام حقوقی مالیاتی

آنتونی بی اتکینسن، اقتصاددان برجستهٔ انگلیسی سالهاست در زمینهٔ نابرابری پژوهش‌های گسترده‌ای انجام داده است. توجه هم‌زمان به مسائل تاریخی و تجربی و موضوعات نظری، در کنار دقت او در فرآیند

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

پژوهش اهمیت خاصی به نوشته‌های او بخشیده است. او در کتاب اخیر خود «نابرابری: چه می‌توان کرد؟» اصلاح‌طلبی رادیکال جدید را بررسی می‌کند. اتکینسن با مروری تاریخی به‌نظام مالیاتی انگلستان، راهکارهایی برای کاهش نابرابری از طریق اصلاح نظام مالیاتی مطرح کرده است.

برخی مالیات را این گونه تعریف کرده‌اند که : وجوه اجباری، غیر جبرانی و غیر قابل برگشت است که دولت‌ها برای مقاصد عمومی به موجب قانون از مردم دریافت می‌کنند. چند ویژگی دراین تعریف وجود دارد که آن ها را از نهادهای مشابه متمایز می‌کند.

محورهای اقتصادی تحول نظام مالیاتی

توسعه بیشتر نظام مالیات بر ارزش‌افزوده، بازنگری قوانین و مقررات مالیاتی با در نظر گرفتن تغییر نیازها، اجرای طرح جامع مالیاتی و. . . از محورهای اصلی تحول نظام مالیاتی بوده است .تحولی که اصلاح موفق ساختار اقتصاد، توسعه فعالیت‌های تولیدی و توسعه کیفی بخش خدمات، گسترش پایه‌های مالیاتی و حذف معافیت‌های غیرضروری، رفع محدودیت‌های بودجه‌ای سازمان، تأمین نیروی انسانی، اتخاذ تمام تدابیر قانونی را به دنبال داشته باشد .که این موارد خود نقش بسیار مهمی در ارتقای درآمدهای مالیاتی و درنتیجه توسعه و آبادانی کشور ایفا می‌کند (منصورآبادی، ۱۳۹۲: ص۳۴).

دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند: ایجاد امنیت، رفاه اجتماعی و گسترش خدمات از مزایای پرداخت مالیات است و باید بافرهنگ سازی مناسب، مردم را از مزایای پرداخت مالیات آگاه کرد.

به اعتقاد آن‌ها، مردم باید مالیات را جزئی از بدهی خود به دولت بدانند و پرداخت به‌موقع مالیات باید در جامعه به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود تا مردم مالیات خود را به‌موقع پرداخت کنند.

صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند: بهبود نظام مالیاتی بدون توجه به سیاست‌هایی که مبتنی بر ارتقای فرهنگ مالیاتی باشد، محقق نمی‌شود و با توجه به اهمیت مالیات در پیشبرد اهداف اقتصادی دولت، شناسایی ویژگی‌ها و نوع کارکردهای مالیات‌های اسلامی می‌تواند جهت‌گیری کلی نظام مالیاتی را آشکار ساخته و دستیابی به اهداف مدنظر سند چشم‌انداز توسعه در بخش مالیاتی را تسریع بخشد (خوی نژاد، ۱۳۹۱: ص۷۴).

تحقق اهداف اقتصادی دولت به‌خصوص در بحث مالیات، نیازمند اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی است و مردم باید در خصوص نحوه دریافت مالیات، هزینه کردن و میزان تأثیرگذاری آن بر اقتصاد و عمران و آبادانی کشور اطلاعات و شناخت کافی داشته باشند .بنابراین اراده مردم، عمده‌ترین نقش را در اجرای قانون مالیات‌ها ایفا می‌کند و به این لحاظ مؤثرترین عامل موفقیت در اجرای این قوانین، فرهنگ مالیاتی جامعه است (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۹: ص۶۵).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

الزام به وصول نقدی مالیات

وصول مالیات به دو شکل نقدی و جنسی صورت می‌گیرد. درگذشته مالیات به اصول دلیل کم بودن پول در دست مردم بیشتر به‌صورت جنسی صورت می‌گرفت درحالی‌که امروزه اصل بر وصول نقدی مالیات است و اخذ مالیات به‌صورت جنسی جنبه‌ی فرعی و استثنایی دارد. افزون بر این چون مالیات برای انجام مخارج مملکتی است، باید به‌صورت نقد پرداخت شود و هر روشی غیرازاین، خاطره‌ی بیگاری را زنده می‌کند (رستمی، ۱۳۹۳: ص ۱۶۴).

الزام مؤدی در رساندن مبلغ مالیات به‌حساب خزانه در ایران: ماده‌ی ۱۶۴ ق.م.م در این زمینه مقرر می‌دارد: سازمان امور مالیاتی کشور مکلف است به‌منظور تسهیل در پرداخت مالیات و تقلیل موارد مراجعه مؤدیان به ادارات امور مالیاتی حساب مخصوصی از طریق بانک مرکزی در بانک ملی افتتاح نماید تا مؤدیان بتوانند به شعب یا باجه‌های بانک مزبور مراجعه و مالیات‌های خود را به‌حساب مذکور مستقیماً پرداخت نمایند. در ماده‌ی ۲۱ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده نیز به واریز مالیات از سوی مؤدی به حسابی که وزارت امور اقتصادی و دارایی (خزانه‌داری کل کشور) تعیین و سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌کند، حکم نموده است. طبق این ماده، قدرت عمومی مالیاتی ایجاب می‌کند تا مؤدی مالیات را به‌صورت نقدی به‌حساب خزانه واریز نماید و مسئولیت خطرات ناشی از پرداخت مالیات را بپذیرد و در مقابل، دستگاه مالیاتی موظف است برای حصول این مقصود به ایجاد حساب اقدام نماید. (پیرنیا، ۱۳۸۸:ص ۱۱۹).

الزام مؤدی در رساندن مبلغ مالیات به‌حساب خزانه در انگلستان: مهلت پرداخت مالیات در انگلستان ۳۱ ژانویه است که طی آن مؤدی می‌بایست تا موعد پرداخت نماید اما همانطورکه در مبحث قبلی نیز اشاره گردید، شخصی بودن پرداخت در انگلستان به نحو دیگری قابل حصول است.

در این راستا یکی از روش‌هایی که در انگلستان از طریق خدمات الکترونیک تحقق می‌پذیرد، وصول مالیات به‌صورت تأدیه مستقیم بدهی است که به دستگاه مالیاتی اجازه می‌دهد که مبلغ بدهی مالیاتی را هرچه از حساب بانکی سریع‌تر و ساده‌تر دریافت کند. در این روش، بدهی مالیاتی مستقیماً مؤدی با همکاری بانک موردنظر پرداخت خواهد شد (**Fiscal for Institute**، ۲۰۱۱). با این کار امنیت، سرعت و سادگی پرداخت به‌مراتب بیشتر بوده و دیگر نیازی به حضور شخصی مؤدی و حمل پول و پرداخت دستی وجود نخواهد داشت. البته این روش‌ها در ایران نیز به‌مرور در حال اجراست و با تلاش سازمان مالیاتی، پرداخت الکترونیکی مالیات روزبه‌روز گسترش می‌یابد. از روش‌های دیگری که مؤدیان برای پرداخت مالیات در انگلستان می‌توانند استفاده کنند، دادن چک و کارت اعتباری است .البته پرداخت پستی نیز منتفی نیست، ولی با توجه به بازدهی و امنیت بالای پرداخت‌های الکترونیکی کمتر مورداستفاده قرار می‌گیرد. به‌هرحال چنانچه این روش از سوی مؤدی اتخاذ شود، می‌بایست هفته قبل از موعد پرداخت ارسال گردد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

تحلیل پیش‌پرداخت مالیاتی در نظام مالیاتی

پیش‌پرداخت مالیاتی روشی است که در آن قانون‌گذار به قدرت عمومی مالیاتی این امکان را می‌دهد تا پیش از قطعیت مقدار مالیات، مبلغ مالیات را از مؤدی دریافت نماید و این راهکاری در مقابل مؤجل بودن و طولانی شدن روند رسیدگی، تشخیص و قطعیت مالیات‌های مستقیم محسوب می‌گردد (عبدالحسینی، ۱۳۹۱: ص ۱۵۸).

پیش‌پرداخت مالیاتی در نظام مالیاتی ایران: در ایران بر طبق ماده‌ی ۱۶۶ ق .م .م، سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند قبض‌های پیش‌پرداخت مالیاتی را تهیه و برای استفاده مؤدیان عرضه نماید. قبض‌های یادشده بانام و غیرقابل‌انتقال بوده، در موقع واریز مالیات مؤدی مبلغ پیش‌پرداخت به‌اضافه دو درصد آن به ازای هر سه ماه زود پرداخت از بدهی مالیاتی مربوط کسر خواهد شد .در این ماده ازآن‌جهت که مؤدی با این روش بخشی از مالیات را زودتر از موعد می‌پردازد و از هجوم سنگین مالیات در موعد قانونی جلوگیری می‌کند، دو درصد به ازای هر سه ماه پرداخت زودتر، جایزه به او تعلق خواهد گرفت که قطعاً به نفع وی نیز خواهد بود (پیرنیا، ۱۳۸۸: ص ۸۹).

پیش‌پرداخت مالیاتی در نظام مالیاتی انگلستان: در حقوق مالیاتی انگلستان نیز ممکن است دستگاه مالیاتی ضمن ارسال نامه مربوط به محاسبه‌ی مالیات مؤدی، به وی اعلام نماید که می‌بایست او مبلغی را به‌عنوان پیش‌پرداخت در سال جاری مالیاتی برای سال آتی مالیاتی بپردازد. اگر چنین اتفاقی صورت پذیرد، این مقدار بر اساس درآمدی خواهد بود که مؤدی در سال گذشته کسب نموده است و دستگاه مالیاتی هم اصل را بر این می‌گذارد که درآمد مؤدی در سال آینده نیز به همان مقدار خواهد بود (**Abraham,Henry Julian,1998**).

در مورد بازپرداخت مالیات اضافه، انتقال به‌حساب بانکی مؤدی هم برای مؤدی و هم برای دستگاه مالیاتی بسیار امن‌تر و ساده‌تر می‌باشد .بنابراین مؤدی باید در پر کردن فرم‌ها در هنگام ثبت‌نام دقت کافی داشته باشد تا اشتباهی رخ ندهد. چنانچه مبلغ اضافی حتی کمتر از ۱۱ پوند باشد، معمولاً برای مالیات سال‌های بعد مؤدی محاسبه خواهد شد .در این صورت نیز اگر مؤدی درخواست بازپرداخت مبلغ ناچیزی را بنماید، دستگاه مالیاتی آن مبلغ را به وی بازخواهد گرداند.

درصورتی‌که مؤدی شماره‌حساب تعیین نکند، مبلغ بازپرداخت از طریق چک به آدرس منزل مؤدی فرستاده خواهد شد. هرچند این روش امنیت و سرعت کمتری خواهد داشت؛ بنابراین تهیه و عرضه قبض‌های پیش‌پرداخت مالیاتی از اقتدارات عمومی مالیاتی در دو کشور ایران و انگلستان محسوب می‌گردد. با این تفاوت که در ایران به اختیار اداره و مؤدی است، اما در انگلستان به اختیار اداره و اجبار مؤدی است .علی‌الحساب و پیش‌پرداخت مالیاتی هرچند در هدف یکسان بوده و برای جلوگیری از کاهش تبعات طولانی‌مدت وصول مالیات وضع شده‌اند، ولی به نظر می‌رسد با توجه به مواد فوق جنبه

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اجبار و الزام قدرت عمومی در علی‌الحساب مالیاتی بیش‌ازپیش پرداخت مالیاتی است (پیرنیا، ۱۳۸۸: ص۹۱).

اقتدار دستگاه مالیاتی درباره‌ی شیوه‌ی وصول مالیات باگذشت زمان و همزاد با تحولات اجتماعی، نظام مالیات دچار تحول و نوآوری شد تا اداره‌ی مالیات بتواند از روش‌هایی مناسب‌تر و مطلوب‌تر برای وصول مالیات استفاده کند. برخی از تضمین‌هایی که قدرت عمومی مالیاتی در راستای وصول مالیات از آن‌ها بهره می‌برد، درباره‌ی شیوه‌ی پرداخت مالیات است که در این قسمت به سه نمونه از این تضمین‌های مربوط به شیوه‌ی وصول مالیات که شامل غیرقابل تهاتر شدن بدهی مالیاتی، مسئولیت مؤدی در رساندن مالیات به صندوق خزانه و وصول نقدی مالیات می‌باشد، در حقوق مالیاتی ایران و انگلستان اشاره می گردد.

نتیجه‌گیری

مصادیق اعمال اقتدار عدالت مالیاتی در حقوق مالیاتی ایران و انگلستان را که از سوی قوانین و مقررات تعیین‌شده است، می‌توان از دو جنبه زمان و شیوه وصول موردبررسی قرارداد. در ابتدا قدرت عمومی مالیاتی در ارتباط بازمان وصول مالیات مطرح است. از این جنبه می‌توان به مواردی از جمله وصول فوری مالیات، تقسیط مبلغ مالیات پرداخت علی‌الحساب و پیش‌پرداخت مالیاتی اشاره داشت که همه در یک راستا بوده، هدف واحدی را دنبال می‌کنند و آن اینکه مؤدی می‌بایست به‌محض اینکه مالیات متعلقه تشخیص و تعیین شد، در مهلت مقرر نسبت به پرداخت آن اقدام نماید و به همین دلیل دستگاه مالیاتی انگلستان همواره تلاش نموده تا با به‌روز کردن شیوه‌های پرداخت، بر سرعت وصول مالیات بی افزاید و یا اینکه اجازه داده است تا بدهی مؤدیانی که بدحساب بوده و قادر به پرداخت مالیات متعلقه نباشند، به برخی نهادهای خصوصی که وظیفه وصول بدهی‌ها را بر عهده‌دارند، سپرده شود. اشکال دیگر از اقتدارات عدالت مالیاتی ایران و انگلستان برای وصول مالیات از آن‌ها بهره می‌برد، درباره شیوه پرداخت مالیات است که شامل غیرقابل تهاتر شدن بدهی مالیاتی، مسئولیت مؤدی در رساندن مالیات به صندوق خزانه و وصول نقدی مالیات خواهد بود که همگی هدف وصول مالیات به ساده‌ترین و به‌صرفه‌ترین شیوه را دنبال می‌نمایند .در پاسخ به سوالات پژوهش نیز باید بیفزاییم:

۱. با توجه به شرایط کنونی اقتصاد کشور و بر اساس آموزه‌های علم اقتصاد، اگر اقتصاد یک کشور در حالت رکود باشد، سازمان‌ها و نهادهای قانون‌گذار در مورداجرای احکام مالیاتی بااحتیاط بیشتری عمل کنند. سازمان امور مالیاتی کشور و نهادهای قانونی می‌توانند با بخشش‌ها و حمایت‌های تولیدکنندگان خرد و کوچک و فعالان اقتصادی هم عدالت مالیاتی را اجرایی کنند و به کمک اقتصاد کشور بیایند و یک اقتصاد زمانی می‌تواند از حالت رکود تورمی بیرون بیاید که سرمایه‌گذاری را افزایش داده، قانون

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بهبود فضای کسب‌وکار را اجرایی کرده، حامی اصلی تولید و تولیدکننده باشد و شرایط را برای سرمایه‌گذاری فعالان اقتصادی داخلی و خارجی مهیا کند.

با توجه به مطالب فوق، سوال اصلی پژوهش مبتنی بر اینکه «افزایش فرهنگ مالیاتی، قدرتمند نمودن چرخه اقتصادی کشور و قوانین کسب کار، جلوگیری از اخلال در اقتصاد از طریق قاچاق کالا و اقتصاد زیرزمینی، ساماندهی مالیات هرچه بیشتر توسط وزارت اقتصاد و تغییر در الگوی فرار صادق مالیاتی، طرق اصلی دستابی به‌نظام حقوق عادلانه مالیاتی در ایران و انگلستان می‌باشد» صادق است.

۲. تجربه ثابت کرده که ظرافت و عدالت در اصول مالیات باید تا حدی رعایت شود. کشور از یک‌سو نیاز به درآمدهای مالیاتی دارد و از سوی دیگر باید شرایط پرداخت‌کنندگان مالیات هم در نظر گرفته شود این موضوع می‌تواند به‌عنوان بزرگ‌ترین چالش سازمان‌های قانون‌گذار تبدیل شود. دولت باید از هر نوع درآمد مشروع و شناخته‌شده‌ای مالیات بگیرد، ضمن آن‌که در شناسایی درآمدها ناتوان است و در غالب اظهارات نیز رقم درآمد بسیار کمتر ذکر می‌شود اما بی‌توجهی دولت به برخی درآمدهای مشمول مالیات نیز جای تعجب دارد. مالیات بر ارث بسیار ناقص اجرا می‌شود، مالیات بر درآمد مستقلات و املاک ناچیز است اما بی‌شک یکی از مهم‌ترین راه‌های تعیین مالیات عادلانه تعیین درآمدهای واقعی است.

راه‌حل دیگر این است که دولت با بررسی و ارزیابی عملکرد گذشته و بهره‌گیری از تجربیات می‌تواند بسیاری از معافیت‌های مالیاتی و تعرفه‌ها را عنوان کند. اعمال عالمانه و خردمندانه این ابزار نیرومند نه‌تنها می‌تواند برای توسعه صنایع و تولید در کشور مفید و سازنده باشد، بلکه افزایش درآمدهای کلان مالیاتی را نیز به دنبال خواهد داشت. با توضیحات فوق سوال فرعی اول در این مورد که «به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن کسب هر نوع منبع درآمدی مشروع، توجه به شرایط پرداخت‌کنندگان مالیات، رفع نواقص مالیات بر ارث و مستقلات و املاک و واقعی نمودن درآمدها می‌توان به اهداف مالیاتی و اهداف اقتصادی دست‌یافت» اثبات می‌گردد.

۳. نبود یک قانون جامع مالیاتی در کشور یکی از مهم‌تریم عوامل ایجادکننده این بی‌اعتمادی در میان مردم است. متأسفانه به دلیل عدم شناسایی عده‌ای از مشاغل توسط نهادهای قانون‌گذار و مسئول و هم نبود یک قانون جدی برای برخورد با جرائم مالیاتی، پنهان‌کاری و عدم الزام در پرداخت مالیات وجود دارد. اما مهم‌ترین دلیل همان بی‌اعتمادی است. در اقتصادی که بیش از نیمی از اقتصاد آن زیرزمینی است چگونه می‌توان به دنبال شفافیت مالی بود و انتظار اعتماد در این فضای غیر شفاف داشت. در حال حاضر، مالیات از بخش شفاف اقتصاد یعنی کسانی که دارای کارت بازرگانی هستند، اظهارنامه به سازمان امور مالیاتی می‌دهند و حقوق‌بگیران گرفته می‌شود که در این میان کارمندان دولت و حقوق‌بگیران در صدر قرار دارند البته این گروه هم به‌اجبار و نه از روی اختیار مالیات پرداخت می‌کنند. پس با این توضیحات، سوال فرعی دوم مبتنی بر اینکه «به نظر می‌رسد، نبود یک قانون جامع مالیاتی،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

عدم شناسایی عده‌ای از مشاغل مالیاتی و نبود یک قانون جدی برای برخورد با جرائم مالیاتی، علت بی‌اعتمادی مردم در پرداخت مالیات و نبود فرهنگ پرداخت مالیاتی می‌باشد» اثبات می‌شود.

۴. از دلایل عمده رقم پائین درآمد مالیاتی، اقتصاد دولتی است. آنچه واضح و مبرهن است برخی شرکت‌های سود ده تجاری باآنکه حجم قابل‌توجهی از بودجه دولت را می‌بلعند، اما مالیات نمی‌دهند. در جدیدترین قانون مصوب مجلس شورای اسلامی برای متخلفان مالیاتی جرائمی ازجمله حبس در نظر گرفته‌شده است. این قانون نه‌تنها عاملی برای پرداخت مالیات نیست، بلکه خود به یک عامل بازدارنده برای پرداخت مالیات و فعالیت‌های سالم اقتصادی تبدیل‌شده است. دفاتر حسابداری شرکت‌ها یکی از برگ‌ترین عوامل تخلفات مالیاتی در کشور هستند. هر تلاش بازدارنده‌ای که منجر به عدم وصول مالیات می‌شود، جزء وظایف حسابداران در شرکت‌ها محسوب می‌شود. در سراسر دنیا حسابداران سوگند یاد می‌کنند که دفاتر حسابداری را طوری تنظیم کنند که هم منافع فعال اقتصادی تأمین شود و هم منافع دولت دچار آسیب نشود. اما سیستم دو یا سه دفتری حسابداری در کشور، از رایج‌ترین روش‌های فرار از مالیات است که باید چاره‌ای اندیشید. اقتصاد یک جاده دوطرفه است. نهادهای قانون‌گذار باید این مسیر را برای رفت‌وآمد هر دو طرف ایمن و هموار کنند. اگر سخت‌گیری‌ها و مشکلات اولیه قانونی وجود نداشته باشد فعال اقتصادی با آرامش خاطر بیشتری فعالیت خود را آغاز کرده و تمام تلاش خود را برای دور زدن قانون و فراز از قوانین به کار نمی‌بندد. برای از بین رفتن این فرهنگ نیاز به فرهنگ‌سازی و کار فرهنگی است. زندان و حبس هیچ تأثیری در از بین بردن این فرهنگ غلط در جامعه ندارد .تمام نهادها در جامعه باید دست در دست هم فرهنگ مالیات را در کشور شناخته‌تر کنند. فهم مشترک بین مودیان مالیاتی با دستگاه مالیاتی در سایه آموزش‌های لازم فراهم می‌شود.

مودیان و تمامی افراد جامعه باید آگاهی داشته باشند که مالیات، سهم ما از زندگی اجتماعی است و آموزش در این زمینه بسیار مهم است و باعث می‌شود که کمترین چالش را داشته باشیم و درنهایت به فهم مشترک بین دستگاه مالیاتی و مودیان مالیاتی برسیم. این هدف تنها با هم‌پوشانی و دست‌به‌دست دادن تمامی وزارتخانه‌های مرتبط حتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همکاری آن‌ها با سازمان امور مالیاتی کشور، وزارت امور اقتصاد و دارایی و تمامی نهادهای قانون‌گذار محقق می‌شود. با این وصف، سوال فرعی سوم نیز در مورد اینکه «به نظر می‌رسد، خلأ قانونی و عملکرد نهادهای قانون‌گذار، مهم‌ترین دلیل فرار مالیاتی شرکت‌ها و پایین آمدن درآمدهای مالیاتی در کشور است» اثبات می‌گردد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

الف: کتاب

ـ پیرنیا، حسین، (۱۳۸۸)، مالیه عمومی مالیات‌ها و بودجه، تهران، انتشارات ابن‌سینا، چاپ۹.

ـ خوی نژاد، غلامرضا، (۱۳۹۱)، روش‌های پژوهش در علوم تربیتی، تهران، انتشارات سمت، چاپ ۵.

ـ رستمی، ولی، (۱۳۹۳)، مالیه عمومی، تهران، انتشارات میزان، چاپ۳.

ـ قربانی، فرج اله، (۱۳۸۸)، مجموعه آرا وحدت دیوان عدالت اداری و قانون دیوان عدالت اداری، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ۳.

ـ قاری سید فاطمی، محمد، (۱۳۸۹)، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

ـ موسی زاده، رضا، (۱۳۸۹)، حقوق اداری ۱ و۲، کلیات و ایران، تهران، ، نشر میزان، چاپ ۱۸.

ب: نشریه

ـ آقایی، الله محمد و خوانساری، شهرزاد، (۱۳۸۹)، {کارایی اجرای مالیات بر ارزش‌افزوده}، پژوهشنامه اقتصادی، شماره اول، از ص ۹۱ تا ۱۰۸.

ـ منصورآبادی، عباس، (۱۳۹۲)، {حق تجدیدنظر در فرآیند دادرسی عادلانه}، مجله اندیشه‌های حقوقی، شماره ۸، از ص ۶۱ تا ۸۹.

ـ نادران، الیاس، (۱۳۸۷)، { مالیات بر ارزش‌افزوده روشها و آثار}، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۶، از ص ۵۷ تا ۷۲.

ج: پایان نامه‌ها

ـ عبدالحسینی، ابوالقاسم، (۱۳۹۱)، آیین رسیدگی به اختلافات مالیاتی انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

ـ کتابی رودی، احمد، (۱۳۹۲)، بررسی امتیازات قدرت عمومی در حقوق مالیاتی ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

__ Abraham,Henry Julian,1998;an introductory analysis of the courts of the United States,England, and France,New York,Oxford University Press,seventh edition .

__Fiscal for Institute, UK, System Tax UK the of Survey A (2011) Stuart, Adam. 8. No, Note Briefing, Studies .

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]